بسم‌الله الرحمن الرحیم

# آقای مهربان

## چگونگی استفاده از جیب بغل

در آن دوران طاغوت، من در مشهد جلسات تفسیر و درس قرآن داشتم؛ به جوانانی که می‌آمدند، می‌گفتم که هرکدام از شماها یک نسخه‌ قرآن در جیب ‌بغل‌تان داشته باشید؛ **اگر درجایی منتظر کاری می‌ایستید و فراغتی پیدا می‌کنید**، یک دقیقه، دو دقیقه، پنج دقیقه، نیم‌ساعت، **قرآن را بازکنید و به تلاوت آن مشغول شوید** تا با این کتاب انس پیدا کنید. ما در طول هشت‌سال جنگ، زیر آتش توپ و تفنگ، جوانانی را در جبهه‌ها داشتیم که به مجردی که بر زمین می‌نشستند و اندک فراغتی پیدا می‌کردند، قرآن‌شان را باز می‌کردند و مشغول تلاوت می‌شدند.

[امام خامنه‌ای،](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2562) 3/11/1370

# برای دوستم چی بفرستم؟

آسمون رمضان به زمینش خیلی نزدیکه. فصل آشتی با خدا رسیده، رفیق...

# خنده این شماره؛

ﻣﯿﺪﻭﻧﯿﻦ ﺳﻮﺭﺍﺧﺎﯼ رو نمک‌دون ﻭﺍﺳﻪ ﭼﯿﻪ؟

ﻭﺍﺳﻪ اینه ‌که ﻧﻤﮑﺎ ﺧﻔﻪ ﻧﺸﻦ!

خخخخخخ

انصافاً من خیلی بانمک هستما، خدا حفظم کنه، ما اینیم دیگه.

# مراقبه؛

## مردان آخرالزمانی!

حدیث داریم که در دوران آخرالزمان، مردم فقط به فکر شکمشان هستند و شکمشان خدایشان می‌شود: «بُطونُهُم آلِهَتُهُم: شکم مردم خدایشان می‌شود» فقط فکر و ذهنش این است که ناهار چه بخوریم؟ شام چه بخوریم؟ مگه ما می‌دانیم که تا شب زنده‌ایم که بگوییم چه بخوریم؟

آیت‌الله مجتهدی تهرانی

یه نگاهی به خودم بندازم ببینم من بنده‌ واقعی کی هستم؟ شکمم یا خدایم؟

از همین‌الان باید شروع کنم، فردا دیره.

# سیره شهدا و فرهنگ پایداری:

## یک ساعت اختصاصی

گفتم: «با فرمانده‌تان کاردارم.» گفت: «الآن ساعت یازده است، ملاقاتی قبول نمی‌کند.» رفتم پشت درِ اتاقش در زدم، گفت: «کیه؟» گفتم: «مصطفی! من هستم.» گفت: «بیا تو!» سرش را از سجده بلند کرد، چشم‌هایش سرخ‌شده و رنگش پریده بود. نگران شدم، گفتم: «چه شده مصطفی؟ خبری شده؟ کسی طوریش شده؟» دوزانو نشست. زل زد به مُهرش و گفت: **ساعت یازده ‌تا دوازده هرروز را فقط برای خدا گذاشتم. برمی‌گردم کارهایم را نگاه می‌کنم. از خودم می‌پرسم: کارهایی که کردم برای خدا بود یا برای دل خودم؟**

شهید مصطفی ردانی‌پور

انصافاً من هرروز چه‌قدر اختصاصی برای خدا وقت می‌ذارم؟

# هوش و سرگرمی:

## یک معما، یک چیستان

### چیستان

آن چیست که شهرش سرخ است و مردمش سیاه؟

### معما

جوان اسیر می‌داند دو مسیر فرار وجود دارد. اما یکی مسیر نجات و دیگری مسیر نابودی است. سر هر کدام از این راه‌ها یک نفر ایستاده؛ یکی کاملاً دروغ‌گو و دیگری کاملاً راست‌گو. چگونه جوان اسیر با یک سؤال می‌تواند راه صحیح را پیدا کند؟

(فقط یک سؤال و فقط از یک نفر – راست‌گو و دروغ‌گو مشخص نیست – راه برگشتی هم نیست!)

پاسخ چیستان:

هندوانه

پاسخ معما:

یکی از آن دو بپرسد: «اگر از آن نگهبان دیگری بپرسم که آیا او سر راه آزادی ایستاده، او چه می‌گوید؟» این نگهبان هر چه گفت، بر عکسش راه نجات خواهد بود!

اگر گفت آره، برعکسش، یعنی آن راه نجات نیست و همینی که این ایستاده درست است…

اگر گفت نه، باز هم برعکسش، یعنی آری آن راه نجات است و اینی که ما ازش پرسیدیم راه نابودی…

# یک پیشنهادکتاب‌های کپسولی

کتاب‌های کپسولی محتوایی بسیار تأثیرگذار و کاربردی داشته و با حجم کم، نیازمند صرف زمان اندک برای خواندن است.

## یاسینی

عنوان کتاب: آسمان ۳، شهید یاسینی به روایت همسر شهید/ نویسنده: نفیسه ثبات /ناشر: انتشارات روایت فتح/ تعداد صفحات: 8۳ صفحه / چاپ هفتم، ۱۳۹۱: ۱۶۵۰ تومان.

کتاب، داستان زندگی همسر شهید یاسینی با این خلبان ممتاز و ماهر است. گونه همسرانه، یکی از گونه‌های موردتوجه از زندگی پشت جبهه رزمندگان است.

علیرضا یاسینی مدرک تخصصی خلبانی‌اش را از خارج کشور گرفته بود. در این کتاب، پرده‌هایی از عظمت روحی او برداشته می‌شود. قسمت‌های زیادی از کتاب، از شوق پرواز این شهید سخن می‌گوید: «دیگر نگاهش به زمین نبود، همیشه بالا را نگاه می‌کرد. همان‌جایی که تویش پرواز می‌کرد.» (ص 44)

رهبر معظم انقلاب نیز بر این کتاب تقریظ نوشته و از زنده‌نگه‌داشتن یاد این شهید عزیز تشکر کرده است.

# دانستنی‌ها؛

## شبِ روشنِ شبْ‌کور

آیا می‌دانستید نام دیگر خفاش، شبْ‌کور است؟

آیا می‌دانستید که خفاش با فرستان امواجی به اطراف و دریافت انعکاس آن امواج، موانع اطراف و طعمه‌ خود را شناسایی می‌کند؟

آیا می‌دانستید خفاش علی‌رغم این‌که در تاریکی شب ‌بیدار است و فعالیت می‌کند، دارای بینایی ضعیفی هست؟

**کی شود نگاه‌مان را به طبیعت درست کنیم تا اسرار پیچیده خلقت را حتی در شگفتی‌های آفرینش خفاش مشاهده کنیم؟**

# حکمت

## جهانی بدون فقر، عایا؟

عابدي چندين سال عبادت می‌کرد. در عالم رؤیا به او خبر دادند که خداوند مقدر فرموده است نصف عمرت فقير باشي و نصف ديگر غني. حال اختيارش با خودتوست که نصف اول را انتخاب کني يا دوم را. در عالم رؤیا گفت: زن صالحه و عاقلي دارم، با او مشورت کنم. زن گفت: نصف اول را غني انتخاب کن.

به‌مرور در زندگي عابد نعمت فزوني يافت، زن گفت: خدا خودش گفته، همین‌طور که خدا نعمت می‌دهد و می‌بخشد، تو هم انفاق کن و ببخش. او هم‌چنین کرد. نصف عمرش گذشت و منتظر بود تا فقر بيايد، اما فرقي نکرد. همین‌طور نعمت خدا بر او جاري بود، از غیب به او خبر دادند **تو تشکر کردي ما هم زياد کرديم.**

**شکر مال، انفاق آن است،** چنان‌که ناسپاسی‌اش، روی‌هم گذاشتن و ذخیره کردن بی‌دلیل آن است.

# یادداشت اول

## بهترین پیشنهاد برای تابستان

**حالا که فصل مدرسه تمام شده، بچه‌ها دربه‌در دنبال فعالیتی هستند تا خودشان را سرگرم کنند.** برخی به‌طور حرفه‌ای به دنبال ورزش می‌روند. برخی دیگر درس خواندن را رها نمی‌کنند. بعضی بچه‌ها همه تابستان را یا در سفرند یا در مراکز تفریحی. بعضی‌ها هم آن‌قدر بی‌برنامه‌اند که همه کارشان بازی با رایانه است و غرق شدن در تلفن همراه!

**اما چه جایی بهتر از مسجد؟ همه را با هم دارند.** مساجد هم کلاس‌های آموزشی دارند و هم فعالیت‌های ورزشی. تفریح و اردو هم که رو شاخشونه. به این‌ها کارهای قرآنی و مذهبی رو هم اضافه کنید. نکته مهم‌تر این‌که همه این‌ کارها با دوستان هم سن و سال مزه‌اش صدبرابره. پس پیش به سوی مسجد.

# در محضر اهل‌بیت

## چرا امام حسن (علیه‌السلام) صلح کردند؟

**خودش از دشمن ترسیده و حال ندارد استقامت کند، آن‌وقت می‌گوید باید مثل امام حسن صلح کنیم! نه عمو؛ مشکل دشمن نبود، مشکل امثال توست که امام را مجبور به صلح کرد!**

\*\*\*

حضرت خضر (علیه‌السلام) به همراه حضرت موسی (علیه‌السلام) سوار کشتی شدند. هنوز زمانی نگذشته بود که شروع کرد به سوراخ کردن کشتی! موسی (علیه‌السلام) با تعجب و شاید اعتراض گفت: کشتی را سوراخ كردى تا سرنشينانش را غرق كنى؟ اما بعد فهمید که خضر کشتی را سوراخ کرد تا دشمن آن را نگیرد و برای صاحبانش باقی بماند.

امام حسن (علیه‌السلام) این داستان حضرت خضر و موسی (علیهما‌السلام) را برای یاران نامرد خود گفتند تا آن‌ها بدانند که اشکال از خودشان است و امام برای حفظ جامعه اسلامی صلح کرده است. برای همین امام فرمود:

**مَا أَنَا بِمُذِلِّ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنِّي مُعِزُّ الْمُؤْمِنِين‏[[1]](#footnote-1)**

من ذلیل‌کننده مؤمنان نیست، ول عزت‌بخش هستم برای مؤمنان.

# در محضر قرآن

## پررو نشو!

**به خودش که نگاه می‌کند، می‌بیند اوضاعش خوب است. هم دنیایش آباد است و هم آخرتش. چون اهل نماز و روزه است؛ اما...**

\*\*\*

از کربلا برمی‌گشتیم. رفیقش گفت: بعد از یک هفته عبادت و زیارت نجف و کربلا و کاظمین و سامرا، حالا باید وارد فرودگاهی شویم که آدم‌هایش با تیپ‌های آن‌چنانی از شرق و غرب می‌آیند. واقعاً ما کجا و آن‌ها کجا!

حرفش بودار بود. گفتم: ظاهرش همین‌طور است. کربلا کجا و مثلاً ترکیه کجا؟ اما می‌دانی مشکل چیست؟ مشکل این است که می‌بینی لحظه آخر خدا اویی را که از ترکیه آمده است،‌ می‌بخشد، اما من و تو گیر هستیم. چه می‌دانی! شاید آن‌جا از شرایط گناه فرار کرده ولی ما در کربلا مرتکب حرامی شده باشیم. برای همین است که قرآن می‌فرماید:

**فَلا تُزَکُّوا أَنْفُسَکُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقي‏[[2]](#footnote-2)**

پس خودتان را پاک مشمارید. او به [حال] کسی که پرهیزگاری نموده، داناتر است.

**راستی، ما که ماه رمضان را روزه می‌گیریم، نکند که خودمان را پاک بشماریم!**

# احکام

## خوردن قرص در وقت روزه

مریض شده و دکتر گفته حتماً باید هر شش‌ساعت فلان قرص را بخورد وگرنه به بدنش ضرر می‌رسد. در این صورت خوردن قرص اشکالی ندارد ولی روزه‌اش را باطل می‌کند.

رساله آموزشی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، بخش مسائل خوردن و آشامیدن روزه

متن دقیق رساله:

هرگاه خوردن قرص در حال روزه برای درمان فشار خون ضروری باشد اشکال ندارد، ولی با خوردن آن، روزه باطل می‌شود. (بر استفاده از قرص جهت درمان، عنوان خوردن صدق می‌کند).

# سؤالات:

1. قرآن- چه کسی پاک بودن انسان را می‌فهمد؟
	* خودش
	* دوستش
	* خدایش
2. روایت- چرا امام حسن (علیه‌السلام) صلح کردند؟
	* چون از دشمن ترسیدند.
	* چون یاران‌شان ترسو بودند و می‌خواستند جامعه را حفظ کنند.
	* چون اجازه نداشتند قیام کنند.

۳. یادداشت اول- بهترین مکان برای فعالیت‌های تابستانی دانش‌آموزان کجاست؟

* مدرسه
* مسجد
* منزل

۴. احکام- اگر خوردن قرص در زمان روزه ضروری باشد، آیا می‌توان این کار را انجام داد؟

* خیر، درهرصورت باید روزه‌اش را ادامه دهد.
* بله ولی روزه‌اش باطل می‌شود.
* بله و روزه‌اش هم صحیح است.
1. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج‏75، ص: 287 [↑](#footnote-ref-1)
2. نجم، 32 [↑](#footnote-ref-2)